



مجتمع آموزش عالی فقه (مدرسه عالی فقه تخصصی)

رساله سطح چهار

رشته‌ی فقه سیاسی

موضوع: قیام علیه حکومت جائر از منظر فقه اهل بیت (ع) و

حنبلی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر حسین ارجینی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی میر علی

پژوهشگر: علی واعظی

۱۴۰۰



تقدیم

این پژوهش را به پیشگاه علت خلقت حضرت فاطمه زهرا (س) و آخرین امید جهان و امیدِ حال و آینده تمامی حق جویان، حضرت ولی عصر (عج) تقدیم می‌نمایم. به امید اینکه این سعی ناچیز مورد عنایت خدای سبحان قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

لازم می‌دانم به پاس زحمات دلسوزانه استاد محترم راهنما حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر حسین ارجینی (دامت برکاته) که با راهنمایی‌های عالمانه خویش سهم بسزائی در به ثمر رسیدن این پژوهش داشتند تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر میرعلی (زید عزه) که به عنوان استاد مشاور در به ثمر نشستن تحقیق حاضر سهم مهمی داشتند و از تمام افرادی که به نحوی در به ثمر نشستن این پژوهش یاری رسانده‌اند قدردانی می‌نمایم.

چکیده:

اهمیت بحث قیام علیه حکومت جائر روشن است، علاوه بر آن مقایسه دو دیدگاه به اهمیت آن می افزاید، بررسی مباحث مقایسه ای در خیلی از جاها سبب روشن شدن دیدگاه ها میگردد، چه بسا در بررسی مقایسه ای موضوعات چه اختلافی و چه غیر اختلافی ضعف و قوت دیدگاه ها روشن شده و اشکالاتی اگر باشد اصلاح میگردد، یکی از مباحث اختلافی و چالشی در میان فرق و مذاهب اسلامی بحث مهم قیام علیه حکومت جائر است، عده ای قیام و مبارزه علیه حکومت جائر را جایز می دانند و جواز آن را از ادله فقهی مثل کتاب روایات و دلیل عقل به دست می آورند و به آن حکم می کنند، برخی هم قیام و مبارزه علیه حاکم جائر را جایز نمی دانند و حتی قیام علیه حکام و سلاطین جور را حرام می شمارند، تعجب اینکه آنها هم به ادله ای فقهی مانند کتاب و روایات و حتی به دلیل عقل متمسک می شوند. موضوع این رساله قیام علیه حکومت جائر از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و حنبلی است، تلاش شده به دو پرسش اساسی این موضوع، حکم قیام علیه حکومت جائر از منظر فقه اهل بیت، و حکم قیام علیه حکومت جائر از منظر فقه حنبلی پاسخ داده شود، بحث دیگر مقایسه دیدگاه های فقهی این دو مذهب است که آن نیز در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است، یافته های این پژوهش حاکی از آن است که پاسخ به پرسش اول مثبت است، چون فقهای شیعه قیام علیه حکومت جائر را جایز بلکه در برخی از موارد واجب می دانند، اما پاسخ به پرسش دوم منفی می باشد به خاطر اینکه فقهای حنبلی قیام علیه حکومت جائر را جایز نمی دانند نه تنها جایز نمی دانند بلکه حرام می شمردند، در بحث مقایسه دیدگاه های فقهی این دو مذهب هم رساله مورد نظر به این نتیجه رسید که این دو مذهب در مساله جواز یا حرمت قیام علیه حکومت جائر کاملاً در تضاد و مخالف یکدیگر هستند، البته در برخی از مسائل مثل همکاری با حکومت جائر به خاطر مصلحت اجتماعی یا حفظ بیضه اسلام اشتراکاتی هم دارند که هر دو مذهب در این قسمت ها کمک و همکاری با حاکمان جائر را جایز میدانند. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی است، که به توصیف و تحلیل دیدگاه های فقهای شیعه و حنبلی و نیز از روش استناد به ادله فقهی در موضوع پژوهش پرداخته است.

کلید واژه ها: قیام، حکومت، حاکم جائر، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، فقه حنبلی، طاغوت،

ظالم.

فهرست مطالب

۱	مقدمه:.....
۲	طرح تحقیق.....
۲	(۱) بیان مسئله.....
۳	(۲) سوال اصلی.....
۳	(۳) سوالات فرعی.....
۳	(۴) فرضیه تحقیق.....
۳	(۵) ضرورت تحقیق.....
۴	(۶) هدف تحقیق.....
۴	(۷) پیشینه تحقیق.....
۵	(۸) نوآوری تحقیق.....
۶	(۹) روش تحقیق.....
۶	(۱۰) ساختار تحقیق.....

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱۰	گفتار اول: مفاهیم.....
۱۰	الف) مفاهیم و واژه های اصلی.....
۱۰	(۱) قیام.....
۱۰	(۱-۱) قیام در لغت.....
۱۱	(۲-۱) قیام در قرآن کریم.....
۱۳	(۳-۱) قیام در سنت معصومین (علیهم السلام).....
۱۴	(۴-۱) قیام در اصطلاح.....
۱۵	۲ - حکومت.....
۱۵	(۱-۲) حکومت در لغت.....

- ۱۶ (۲-۲) حکومت در اصطلاح
- ۱۷ (۳) جائز (۱-۳) جائز در لغت
- ۱۷ (۲-۳) جائز در قرآن
- ۱۸ (۳-۳) جائز در اصطلاح
- ۲۰ (۴) فقه
- ۲۳ (۱-۴) فقه در لغت
- ۲۳ (۲-۴) فقه در اصطلاح
- ۲۴ (ب) مفاهیم و واژه های مرتبط
- ۲۵ (۱) انقلاب
- ۲۵ (۱-۱) انقلاب در لغت
- ۲۶ (۲-۱) انقلاب در اصطلاح
- ۲۶ (۲) حاکم
- ۲۸ (۱-۲) حاکم در لغت
- ۲۸ (۲-۲) حاکم در اصطلاح
- ۳۱ (۳) حکم
- ۳۱ (۱-۳) حکم در لغت
- ۳۲ (۲-۳) حکم در اصطلاح
- ۳۴ (۴) طاغوت
- ۳۴ (۱-۴) طاغوت در لغت
- ۳۴ (۲-۴) طاغوت در اصطلاح
- ۳۶ **گفتار دوم: کلیات**
- ۳۶ (الف) چارچوب نظری در باب مشروعیت و عدم مشروعیت قیام
- ۳۸ (۱) دیدگاه های مطرح در فقه شیعه
- ۳۹ (۱-۱) حرمت قیام

۴۰ (۲-۱) جواز قیام
۴۱ (۳-۱) وجوب قیام
۴۳ (۲) دیدگاه های مطرح در فقه حنبلی
۴۷ (ب) دوره های تاریخی فقه
۴۷ (۱) فقه اهل بیت (علیهم السلام)
۴۷ (۱-۱) عصر معصومین (علیهم السلام)
۴۹ (۲-۱) عصر قدما
۵۰ (۳-۱) عصر متأخرین
۵۲ (۴-۱) عصر متأخرمتأخرین
۵۳ (۵-۱) دوران فقه های معاصر
۵۴ (۲) فقه حنبلی
۵۵ (۱-۲) عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) صحابه و تابعین
۵۵ (۲-۲) دوره ظهور مذاهب فقهی اهل سنت
۵۶ (۳-۲) مذهب فقهی احمد بن حنبل
۵۸ (ج) جمع بندی

فصل دوم: حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام)

۶۳ گفتار اول : آراء فقهای شیعه
۶۳ (الف) قائلین جواز قیام علیه حکومت جائز
۶۳ (۱) جواز قیام از باب امر به معروف و نهی از منکر
۶۳ (۱-۱) شیخ مفید (م ۴۱۳ ه ق)
۶۴ (۲-۱) سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ه ق)
۶۴ (۳-۱) ابی صلاح حلبی (م ۴۴۷ ه ق)
۶۵ (۴-۱) شیخ محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه ق)
۶۶ (۵-۱) قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ه ق)

- ۶۷ (۶-۱) محقق حلی (م ۶۷۹ ه ق).....
- ۶۷ (۷-۱) یحیی بن سعید (م ۶۹۰ ه ق).....
- ۶۸ (۸-۱) علامه حلی (م ۷۲۶ ق).....
- ۶۸ (۹-۱) محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ه ق).....
- ۶۹ (۱۰-۱) سید ابوالقاسم خوئی (م ۱۳۷۱ ه ش).....
- ۷۰ (۱۱-۱) سید روح الله خمینی (م ۱۳۶۸ ه ش).....
- ۷۳ (۲) جواز قیام از باب جهاد.....
- ۷۴ (۱-۲) علامه حلی (م ۷۲۶ ق).....
- ۷۴ (۲-۲) شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه ق).....
- ۷۵ (۳-۲) سعید حلی (م ۶۹۰ ه ق).....
- ۷۵ (۴-۲) ابو صلاح حلبی (م ۴۴۷ ه ق).....
- ۷۵ (۵-۲) محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ه ق).....
- ۷۶ (۶-۲) محقق عراقی (م ۱۳۶۱ ه ق).....
- ۷۶ (۷-۲) سید ابو القاسم خوئی (م ۱۳۷۱ ه ش).....
- ۷۹ (۳) جواز قیام از باب حرمت همکاری با حکومت جائز.....
- ۸۰ (۱-۳) شیخ مفید (م ۴۱۳ ه ق).....
- ۸۱ (۲-۳) شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه ق).....
- ۸۱ (۳-۳) علامه حلی (م ۷۲۶ ق).....
- ۸۲ (۴-۳) احمد نراقی (م ۱۲۴۵ ه ق).....
- ۸۲ (۵-۳) شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق).....
- ۸۳ (۶-۳) امام خمینی (م ۱۳۶۸ ه ش).....
- ۸۵ (ب) قائلین جواز همکاری با حکومت جائز.....
- ۸۵ (۱) شیخ مفید (م ۴۱۳ ه ق).....
- ۸۶ (۲) قاضی ابن براج (م ۴۸۱ ه ق).....
- ۸۷ (۳) شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه ق).....

۸۸ (۴) قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق)
۸۹ (۵) ابن ادريس (م ۵۹۸ هـ ق)
۸۹ (۶) مجلسی (م ۱۱۱۱ هـ ق)
۹۰ (۷) شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق)
۹۰ (۸) آیت الله خویی (م ۱۳۷۱ ش)
۹۲ گفتار دوم: ادله قیام و عدم قیام علیه حکومت جائز
۹۲ الف) ادله جواز قیام
۹۲ (۱) عقلی
۹۴ (۲) نقلی
۹۴ (۱-۲) آیات
۱۰۹ (۲-۲) روایات
۱۲۱ ب) ادله جواز همکاری با حکومت جائز
۱۲۱ (۱) آیات
۱۲۲ (۲) روایات
۱۲۴ ج) ادله عدم جواز قیام علیه حکومت جائز
۱۲۴ (۱) عقلی
۱۲۵ (۲-۲) نقلی
۱۲۵ (۱-۲) هر قیامی پیش از قیام امام مهدی (عج) طاغوت است
۱۲۷ (۲-۲) واجب بودن حفظ جان و ملحق نشدن با هر قیامی
۱۳۱ (۳-۲) امر به نشستن در خانه تا ظهور حضرت مهدی (عج)
۱۳۳ (۴-۲) شکست هر قیامی قبل از قیام حضرت مهدی (عج)
۱۳۵ (۵-۲) منع تلاش برای سرنگونی حاکمیتی که وقت زوال آن نرسیده است
۱۳۷ د) جمع بندی

فصل سوم: حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه حنبلی

گفتار اول: آراء فقهای حنبلی..... ۱۴۳

۱) احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ه ق)..... ۱۴۳

۲) امام بریهاری (م ۳۲۹ ه ق)..... ۱۴۶

۳) ابن بطه حنبلی (م ۳۸۷ ه ق)..... ۱۴۶

۴) قاضی ابویعلی فراء (م ۴۵۸ ه ق)..... ۱۴۷

۵) امام ابن قدامه مقدسی (م ۴۹۰ ه ق)..... ۱۴۸

۶) ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ ه ق)..... ۱۴۸

۷) امام ابن القیم (م ۷۵۱ ه ق)..... ۱۵۱

۸) ابن رجب حنبلی (م ۷۸۵ ه ق)..... ۱۵۲

۹) محمد بن عبد الوهاب (م ۱۲۰۶ ه ق)..... ۱۵۳

۱۰) عبد العزیز بن باز (م ۱۴۲۰ ه ق)..... ۱۵۴

۱۱) ابن عثیمین (م ۱۴۲۱ ه ق)..... ۱۵۷

۱۲) صالح فوزان فقیه معاصر..... ۱۶۰

گفتار دوم: ادله حرمت قیام علیه حکومت جائز..... ۱۶۳

الف) دلیل عقلی..... ۱۶۳

ب) دلیل نقلی..... ۱۶۵

۱) آیات..... ۱۶۵

۱-۱) آیه شریفه ۱۰۳ آل عمران..... ۱۶۵

۲-۱) آیه شریفه ۱۰۵ آل عمران..... ۱۶۶

۳-۱) آیه شریفه ۵۹ سوره نساء..... ۱۶۸

۴-۱) آیه شریفه ۱۲۹ سوره انعام..... ۱۶۸

۲) روایات..... ۱۶۹

۱-۲) دسته اول، روایات عدم جواز فاصله گرفتن از حکام..... ۱۶۹

- ۲-۲) دسته دوم، روایات مخالفت با حکام سبب خروج از اسلام می‌شود ۱۷۱
- ۳-۲) دسته سوم، روایات بیعت شکنان با حکام در قیامت حجتی ندارند ۱۷۳
- ۴-۲) دسته چهارم، روایات عدم جواز قتال با حاکم در صورت اقامه نماز ۱۷۵
- ۵-۲) دسته پنجم، روایات وجوب اطاعت از حاکم ۱۷۸
- ۶-۲) نماز خواندن صحابه پشت سر امام جائز ۱۸۰
- ج) جمع بندی ۱۸۱

فصل چهارم: وجوه اشتراک و افتراق دو دیدگاه

- گفتار اول وجوه اشتراک ۱۸۶
- الف) جواز همکاری با حکومت جائز به خاطر مصالح جامعه ۱۸۶
- ب) جواز همکاری با حکومت جائز به خاطر امر به معروف و نهی از منکر ۱۸۹
- ج) جواز همکاری با حکومت جائز به خاطر حفظ بیضه اسلام ۱۹۱
- د) استناد به آیات و روایات در همکاری با حکومت جائز ۱۹۱
- ۱) آیات قرآن ۱۹۱
- ۲) روایات ۱۹۳
- گفتار دوم وجوه افتراق ۱۹۶
- الف) وجوب و حرمت قیام علیه حکومت جائز ۱۹۶
- ب) اطاعت و عدم اطاعت از حکومت جائز ۱۹۹
- ج) افتراق در استناد به ادله سه گانه ۲۰۱
- ۱) آیات ۲۰۱
- ۲) روایات ۲۰۴
- ۳) عقل ۲۰۹
- د) جمع بندی ۲۱۱
- جمع بندی و نتیجه گیری نهایی ۲۱۳
- فهرست منابع ۲۱۶

قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (ع) و حنبلی

د

۲۱۶	الف: منابع عربی
۲۲۹	ب: منابع فارسی
۲۳۲	ج: مقالات
۲۳۲	د: سایت ها

مقدمه:

قیام و مبارزه علیه حکومت جائر هر چند ریشه در مباحث کلامی دارد اما ارتباط آن با مباحث فقهی به معنای اعم کلمه در معانی گوناگونی از قبیل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، جواز یا حرمت همکاری با حاکمان جائر زیر بار ظلم نرفتن و مسائل از این قبیل به تفصیل یاد شده است. نقش این گونه مباحث در نگرش قیام های مسلحانه و مبارزات دیگر علیه حاکمان جائر، موجب طرح آن در این نوشتار شده است، از صدر اسلام تا کنون به شهادت تاریخ اعتقاد مسلمانان استوار بر آن بوده است که دین مبین اسلام در کل و فقه اسلامی بطور خاص ضامن سعادت دنیا و آخرت انسانها است. چون اسلام و آموزه هایی آن از جامعیت و جاودانگی برخوردار است، پاسخ گوی نیازهای جامعه اسلامی در همه موارد خواهد بود. اما با گذر از سوال اصلی و فروعات آن و قیام و تعریف آن، مسئله ی کاملاً جدی در فقه اسلامی سؤال از مشروعیت یا عدم مشروعیت قیام و انقلاب علیه این گونه از حاکمان می باشد، به اندک تاملی، چنین هویدا می گردد که در اعصار متعدد گذشته و حال، انسانها مورد استثمار استثمارگران و بهره وری ظالمان و مستکبران واقع شده و ظالمانه بر آنها حکمرانی می شود بدون اینکه حق کوچکترین اعتراض، مبارزه و شورشی علیه نظام و سیستم سیاسی این حاکمان ظالم را داشته باشند، حال در فقه اسلامی بررسی نظرات فقها و اندیشمندان اسلامی شیعه و حنبلی، برای دریافت رأی اسلام در باب مشروعیت یا عدم مشروعیت قیام و انقلاب علیه حاکمان جائر در این رساله مورد اهتمام ما است. به طور اجمال در این رساله سعی شده است اقوال و ادله علما و فقهای شیعه و حنابله به صورت عینی عرضه و تحلیل و ارزیابی شود، و در نهایت امر، مقایسه بین آراء و دیدگاه های علمای شیعه و حنبلی صورت بگیرد. و در ضمن این مقایسه، سعی شده که دیدگاه های هر دو مذهب بر قرآن و اصول مسلم اسلامی عرضه و ارزیابی شود.

طرح تحقیق

در این قسمت به تعریف بیان مسئله، سوال اصلی و سوالات فرعی، فرضیه تحقیق، ضرورت تحقیق، پیشینه و نوآوری تحقیق، هدف تحقیق، و روش آن پرداخته می‌شود.

(۱) بیان مسئله

از تاریخ بسیار پر فراز و نشیب فقه و فقهای اسلام مخصوصاً فقه شیعه که دوران های بسیار طولانی را پشت سر گذاشته است چنین برمی آید که فقهای عظام شیعه در مقابل حکام جور گاهی تقیه و همکاری و زمانی دوری و سکوت در برابر حکومت و در عصری هم دست به انقلاب و اقدام عملی علیه حکام ستم پیشه و سلاطین جور زده اند. تعامل، سکوت، همکاری در بعضی از مواقع تقیه و یا حتی انقلاب و خیزش نظامی همه روش های متفاوت و گوناگون مبارزه در جهت حفظ اسلام و تشیع و در صورت امکان استقرار حاکمیت الهی بوده است.

با توجه به بینش و آموزه های متعالی اسلام حق حکومت و ولایت بر انسانها تنها از شئون و اختیارات خداوند متعال است چون همه جهان ملک طلق او و او خالق همه است، از این روی حکومت نمودن بر انسانها در اصل حق خدا است و هیچ کسی جز او حق حکومت بر دیگری را ندارد مگر آن که از طرف خالق یکتا مأذون باشد، لذا حکومت از طرف حاکمان جور مأذون نمی باشد و غیر مشروع است ولی حکومت از طرف فقهای اسلام بر اساس آموزه های دین مبین اسلام مشروع و مأذون می باشد، با توجه به این مبنا در این پژوهش با پرسش های مواجه می شویم که باید به آنها پاسخ داده شود سوال اصلی اینست که آیا: (حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و فقه حنبلی) چیست؟ حکومت جائز از دیدگاهی این دو مذهب مشروعیت دارد یا ندارد؟ سوال دیگر اینست که آیا موضوع مورد نظر اصلاً در نزد فقهای این دو مذهب در فقه به عنوان یک مساله از مسائل فقهی مطرح بوده یا نبوده است؟ بر فرض که مطرح بوده آیا در نزد همه مطرح بوده و یا از زمان خاصی مطرح شده است؟ مراد از قیام در این تحقیق، مفهوم سیاسی و اجتماعی آن است یعنی خیزش عمومی که هدف آن، تغییرات سریع و اساسی در ارزشها و باورهای مسلط و ساختارهای گوناگون اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی یک جامعه است. در مورد جواز یا عدم جواز قیام در فقه شیعه کم و بیش پژوهش هایی صورت گرفته است اما در مورد جواز یا عدم جواز قیام در فقه حنبلی تا آنجای که من تفحص کردم تحقیقی صورت نگرفته است اگر مطالعات هم صورت گرفته باشد پراکنده و سطحی

است، که این مطالعات با توجه به اهمیت این موضوع کافی به نظر نمی رسد. تحقیق مورد نظر با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع، تلاش خواهد کرد که نظرات فقهی جواز قیام در فقه شیعه و حنبلی را از دیدگاه فقه این دو مذهب بطور استدلالی و مقایسه ای بررسی نماید، چرا که بطور اجمال مطالعه آثار علمی و عمومی این دو مذهب نشان می دهد. که فقهای این دو مذهب مخصوصاً فقهای شیعه از بُعد فقهی به حکم قیام علیه حاکم جائز در لا بلای مباحث فقهی شان نگاهی کرده اند و آن را به عنوان یک تکلیف شرعی در قبال جامعه اسلامی، تلقی نموده اند. بنابراین هدف این تحقیق تبیین حکم قیام علیه حاکم جائز و براندازی آن از منظر فقه شیعه و حنبلی در یک رویکرد مقایسه ای است.

۲) سوال اصلی

حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) و حنبلی چیست؟

۳) سوالات فرعی

الف) مفهوم قیام، حکومت جائز، فقه شیعه و فقه حنبلی چیست؟

ب) رهیافت نظری در باب مشروعیت و عدم مشروعیت قیام و ضرورت آن از نظر فقه شیعه و

حنبلی چیست؟

ج) حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) چیست؟

د) حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه حنبلی چیست؟

ر) وجوه اشتراک و افتراق این دو دیدگاه کدام است؟

۴) فرضیه تحقیق

باتوجه به مبانی فقهی و کلامی هر دو مذهب گفته می شود قیام علیه حاکمان جائز در فقه شیعه مشروع است، اما در فقه حنبلی این قیام مشروع دانسته نشده است آنها قیام علیه حاکم جائز حتی حاکمانی که بازور و غلبه به قدرت رسیده باشند را جایز نمی دانند.

۵) ضرورت تحقیق

جهان اسلام در این روزها متأسفانه جنگ های خونین و ویرانگری را تجربه می کنند، مانند جنگ های عراق و سوریه و دیگر کشورهای اسلامی، که اکثر عوامل این جنگ ها گروهی اند که مذهب حنبلی دارند، من فکر می کنم که یکی از عوامل بلکه عمده آن اعتقادات فقهی و مذهبی است، لذا با توجه به موضوع تحقیق و کار بردی بودن آن، و آگاهی نسبی که از نظریات فقهای عظام شیعه و حنابله در این

باب دارم، ضرورت اقتضاء می‌کند که در این مورد پژوهشی صورت بگیرد، هر چند در مورد حکم قیام در فقه شیعه کم و بیش پژوهش‌هایی صورت گرفته است، اما در مورد حکم قیام در فقه حنبلی که پیروان آن در عصر ما بیشتری کشورهای اسلامی را درگیر جنگ و خون‌ریزی نموده، تحقیقی صورت نگرفته است، ممکن پژوهشی هم انجام شده باشد ولی پراکنده و سطحی است، اما پژوهشی مستقل که به بررسی حکم قیام علیه حاکم جائر از منظر فقه شیعه و حنبلی با رویکرد تطبیقی پرداخته باشد انجام نپذیرفته، تلاشی که این رساله عهده دار آن می‌باشد.

(۶) هدف تحقیق

از آنجایی که دین مقدس اسلام مدعی تامین سعادت دنیا و آخرت بشر است و هم چنین مدعی بهترین مدیریت نظم اجتماعی، در محورهای گوناگون از جمله تعلیم و تربیت، فرهنگ، سیاست و اقتصاد و ... می‌باشد بنابراین دین اسلام در ارتباط به امر حکومت و حاکمی اسلامی و سر نوشت سیاسی جامعه مسلمانان بدون برنامه و فکر سیاسی نخواهد بود و لذاست که فقه اسلامی حاکم اسلام را به مسلمانان معرفی خواهد کرد. هدف این تحقیق هم تبیین و مقایسه دقیق قیام علیه حاکم جائر بر اساس فقه شیعه و حنبلی و بیان دیدگاه‌های فقهای هر دو مذهب در رابطه با حاکمان جائر می‌باشد.

(۷) پیشینه تحقیق

بحث قیام و مبارزه علیه حکومت جائر یکی از مباحث مهم کلامی و فقهی به شمار می‌رود، این بحث از نگاه زمانی عمری به درازای تاریخ دارد، مبارزه با ظالم و حاکمان جورحتی در اوائل اسلام در زمان خود پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و بعد از آن در زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) مطرح بوده است، پیامبر اسلام در آن زمان علاوه بر مبارزه با سران قبائل در مکه، به حاکمان کشورهای بزرگ و امپراتوری‌های ایران و مصر و ... نامه نوشت و آنها را به اسلام دعوت نمود و رسماً مبارزه خود علیه ظلم و جور را آغاز نمود، به هر حال هر جا در طول تاریخ که بحث قیام علیه حاکم و یا مشروعیت حاکم مطرح است، اصولاً بحث از حکومت و حاکمیت نیز مطرح است و این دو قابل تفکیک نیست، لذا این بحث در زمان خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و بعد از آنها، مخصوصاً در مواردی که حاکم جائر در رأس حکومت قرار داشته مطرح بوده است. راجع به موضوع رساله قیام علیه حکومت جائر از نگاه فقه شیعه و حنبلی، در کتابها و مجلات مختلف که دسترسی به آن ممکن بود مراجعه نمودم، متأسفانه مطالبی اندکی در این زمینه وجود

داشت، چون موضوع مورد نظر یک موضوع کاملاً جدید است، فقهای قدیم و متاخر حتی فقهای معاصر به طور مستقیم به این بحث وارد نشده است، آنها از قبیل ولایت فقیه، وجوب نماز جمعه، اجرای حدود و... که به صورت کلی به فقه سیاسی مربوط می‌شود بحث کرده اند اما به این موضوع اشاره ای نکرده اند، البته از لا بلای همین مباحث میتوان پی برد که فقها در همه دوره ها در صدد اجرای کامل احکام بوده اند و آنرا واجب میدانسته اند، اجرای همه احکام بدون تشکیل حکومت ممکن نیست و تشکیل حکومت هم نیازی به قیام علیه حکومت جائر دارد، لذا از باب مقدمه واجب میتوان قیام را از مباحث این گونه منابع به دست آورد، کتابهایی که کم و بیش مطلبی در این باره دارند بر دو دسته تقسیم می‌شوند.

یک) آثار قدیمی، فقهای قدیم مانند شیخ صدوق در کتاب المقنع فی الفقه، محقق حلی در کتاب شرایع، شیخ مفید در کتاب المقنعه، محقق کرکی در کتاب جامع المقاصد و دیگران کمی به آن پرداخته اند.

دو) آثار جدید که فقهای معاصر به آن اشاره دارند مانند حضرت امام خمینی (ره) در آثار متعدد خود از جمله صحیفه نور، کتاب بیع و کتاب ولایت فقیه و آیت الله حسین علی منتظری در کتاب دراسات فی ولایت الفقیه، و آیت الله حائری، در کتاب ولایت الامر فی عصر الغیبه، و دکتر محمد علی میر علی در کتاب (مشروعیت قیام علیه حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه) و دیگران کمی به این موضوع اشاره کرده اند. فقهای حنبلی تا آنجایی که من تفحص کردم کم به این موضوع پرداخته اند از جمله کسانی که اندکی به این بحث اشاره دارند از فقهای اهل سنت ابوالحسن ماوردی فقیه شافعی مذهب در کتاب الاحکام السلطانیه است او مقداری به این موضوع پرداخته است و در باب حکومت نظریه های دارد که به همین خاطر از طرف علمایی اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. قاضی ابی یعلی فراء یکی دیگر از فقهای اهل سنت و حنبلی مذهب است او نیز در کتاب خود به نام الاحکام السلطانیه به برخی از ویژگیهای حاکم اشاره کرده است. بنده با توجه به آثار موجود و منابع دیگر سوال اصلی و سوالاتی فرعی پژوهش را مورد جست جو قرار دادم و تلاش نمودم تا حدی به این سوالات پاسخ دهم.

۸) نوآوری تحقیق

قیام مشروع یکی از مباحث مهم و جدی جوامع بشری است مخصوصاً جوامع اسلامی که حاکمان جائر در آن کشورها حکومت می‌کنند و عمدتاً مردم مسلمان از این حاکمان دلی خوشی ندارند چون

آنها عزت اقتدار و حیثیت مسلمانان را خدشه دار کرده اند علاوه بر این، آنها خود به اسلام که دین نجات بخش بشر است عمل نمی کنند ولی در جایگاه حاکم اسلامی تکیه زده اند رهبری امور مسلمین را بطور لجام گسیخته به دست دارند و خود را حاکم اسلامی می دانند در این راستا که قیام علیه حاکم جائز و ظالم جایز است یا نیست کتاب مستقلی نوشته نشده و کاری صورت نگرفته است اگر هم صورت گرفته باشد قابل توجه نیست به نظر بنده ضرورت اقتضا می کند که در این زمینه یک تحقیق مستقل و مقایسه ای بین دو مذهب، که جامع و کامل باشد صورت بگیرد تا این که پیروان هر دو مذهب وظیفه شرعی و فقهی خود را در این باب بدانند و با فراهم شدن زمینه سلطه حاکمان غاصب و جائز را از سر جوامع خود رفع کنند، نو آوری این پژوهش بحث مقایسه ای آن است.

۹) روش تحقیق

از آنجایی که روش علمی تحقیق و پژوهش باید مناسب با موضوع آن باشد که قابل نظم بخشیدن و انسجام بحث را داشته و شایستگی و توان تجزیه و تحلیل آن موضوع را دارا باشد و لذا با توجه به موضوع مسئله می توان گفت این رساله که در موضوع قیام علیه حاکم جائز از دیدگاه فقه اهل بیت و حنبله است و با مطالعه به دیدگاه های فقها و علما در خصوص این موضوع و با برداشت عقلی از متون و کتب در ضمن نقل نظریات از نوع تحقیق تحلیلی توصیفی در این پژوهش به کار گرفته شده است.

۱۰) ساختار تحقیق

رساله مورد نظر پس از ذکر مقدمه از چهار فصل تشکیل یافته است.

فصل اول: مفاهیم و کلیات را بحث کرده، این فصل دارای دو گفتار است، در گفتار اول مباحث مفاهیم را بررسی کرده، در بخش مفاهیم، مفاهیم را به دو قسمت مفاهیم اصلی و مفاهیم مرتبط تقسیم نموده، در قسمت مفاهیم اصلی، به واژه های قیام، حکومت، جائز و فقه، پرداخته و این کلمات را از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار داده است. در قسمت واژه های مرتبط به کلماتی مثل انقلاب، حکم، حاکم و طاغوت اشاره شده و واژه های مذکور را از نگاهی لغوی و اصطلاحی مورد بحث قرار داده است.

در گفتار دوم به مباحث کلیات پرداخته، در بخش کلیات، بحث چارچوب نظری در باب مشروعیت و عدم مشروعیت قیام، مورد بررسی قرار گرفته است، این بحث به طور کلی تقریباً اجمال

کل رساله را در خود جای می دهد، مباحث از قبیل حرمت قیام، جواز قیام و وجوب قیام از نظر فقهای شیعه به طور اجمال در آنجا بحث شده است و همچنین به دیدگاه های حنبلی ها هم به طور اجمال اشاره شده است. علاوه بر آن بحث دوره های فقه سیاسی اهل بیت که به پنج دوره تقسیم می شود نیز در کلیات آورده شده است همچنین مختصری به ادوار فقه حنبلی هم اشاره شده است.

فصل دوم: به بحث مهمی حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه اهل بیت (علیهم السلام) می پردازد، این فصل دارای دو گفتار است، گفتار اول آرای فقهای شیعه را بررسی می کند، مثلاً جواز قیام از باب امر به معروف و نهی از منکر را به بحث می گرد، در این راستا نظرات حدود ده فقیه شاخص از زمان شیخ مفید تا حضرت امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار می دهد، این گفتار در ادامه به بحث جواز قیام علیه حکام جائز از باب جهاد اشاره می کند، در این قسمت هم نظرات عده ای از فقهای بزرگ شیعه از زمان علامه حلی تا سید ابوالقاسم خوی مورد کنکاش قرار می گرد، بحث جواز قیام از باب حرمت همکاری با حکومت جائز نیز در این گفتار بررسی می شود، نظرات پاره ای از فقها در این زمینه ذکر می گردد، در آخر این گفتار به بحث جواز همکاری با حاکمان جائز اشاره شده، و نظرات عده ای از فقها در این باب نیز بیان می شود.

گفتار دوم این فصل به بحث ادله قیام و عدم قیام می پردازد، اول ادله جواز قیام را می آورد، بعد به ادله جواز همکاری اشاره می کند و در آخر هم ادله عدم جواز قیام را مورد بررسی قرار می دهد و آن را نقد می کند.

فصل سوم: بحث حکم قیام علیه حکومت جائز از منظر فقه حنبلی را به عهده دارد، این فصل هم به دو گفتار تقسیم می شود، گفتار اول آرای فقهای حنبلی را منعکس می کند، در این گفتار آرای حدود دوازده فقیه شاخص حنبلی ذکر می گردد و مورد مذاقه و بررسی قرار می گرد.

گفتار دوم این فصل ادله حرمت قیام علیه حکومت جائز را مورد بررسی قرار می دهد. همچنین ادله در این گفتار نیز به دو دسته تقسیم می شود ادله عقلی و ادله نقلی، ادله نقلی هم به دو بخش آیات و روایات تقسیم می شود.

فصل چهارم: به بحث مهم وجوه اشتراک و افتراق می پردازد، این فصل نیز به دو گفتار ساماندهی شده است، گفتار اول بحث وجوه اشتراک را مورد بررسی قرار می دهد، فقهای شیعه و حنبلی در چند مورد مثلاً مصالح جامعه، احیای امر به معروف و نهی از منکر و حفظ بیضه اسلام با هم اشتراک دیدگاه دارند. گفتار دوم بحث وجوه افتراق را مورد بررسی قرار داده است، در مورد افتراق فقهای شیعه و